

دکتر حمید وارسته

وکیل دادگستری

قانون تشدید مجازات رانندگان

ایرادی به قانون - سخنی با قاضی

در اجرای قانون راجعه به تشدید مجازات رانندگان و نحوه تفکر و استدلال قضات محترم محاکم و هم چنین در نقض قانون و آثار تبعی آن بیک سلسله بیعدالتی های آشکار بر میخوریم که جا دارد هم توجه آنهائیکه می توانند در تغییر و تبدیل قانون مؤثر باشند و هم آنهائیکه بعنوان قاضی شاهین عدالت را در دست گرفته اند باین نکات جلب گردد .

۱- سخنی با قاضی : میدانیم که در جرم قتل غیر عمدی اصل عدم مجازات است و متهم جرم غیر عمدی مستحق مجازات نیست مگر اینکه دو رکن عمده ثابت گردد یکی تفسیر و دیگری رابطه بین تفسیر و فعل مادی که همانا قتل و سلب حیات از دیگری است (نگارنده در مقام بحث تفصیلی نیست و این یادداشت ها جنبه مقاله و تجزیه و تحلیل عمیق حقوقی را ندارد بلکه برسیل تذکر است) در اکثر پرونده های جنائی راجعه به قتل غیر عمدی ناشیه از رانندگی به این رکن عمده و اساسی (رابطه سببیت Rapport causalité) ابدأ توجهی نمی شود نمونه ای را که خود نگارنده در آن بعنوان وکیل متهم مداخله داشته است ذکر می نماید راننده ماشینی باری که سنگ بمقصدی حمل می کرده است پس از رسیدن بمقصد و تخلیه سنگ در مراجعت عده ای را سوار محل مخصوص بار می نماید این عده در ضمن راه مشغول خنده و تفریح و شوخی بوده یکی از آنان دیگری را بزمین پرت نموده و مصدوم میبرد در تجزیه و تحلیل این واقعه می بینیم رکن تفسیر که عبارت از حمل مسافر در ماشین باری میباشد موجود است سلب حیات از موجود زنده نیز هکذا موجود است ولی رکن عمده که تحقق آن قویاً و جدأ باید در این قبیل جرائم ملحوظ گردد یعنی

رابطه سببیت موجود نیست یعنی قتل به سبب تفصیر یاد شده واقع نشده است در اینجا اصل
 عدم مجازات جاری است و با وجود فوت موجود زنده معذک را بگنا مقتل غیر عمدی
 مجازات نخواهیم نمود ولی البته حمل مسافر در ماشین باری فی حد ذاته تفصیری است که
 مجازات از درجه خلاف خواهد داشت ما نمی توانیم آنرا بمسئله قتل غیر عمدی ارتباط
 دهیم در این پرونده دادگاه حکم بر محکومیت متهم صرفاً بعلمت همان تفصیر و قتل ناشیه
 از آن صادر نمود که بعقیده اینجانب بیعدالتی محض است اشیاء و نظائر این امر را در دهها
 و صدها پرونده که منجر بمحکومیت متهمین گردیده اند می توان پیدا کرد مجمل کلام
 اینکه در رسیدگی این پرونده ها اغلب احراز رابطه سببیت فراموش میشود همین قدر که
 دادگاه احراز نمود قتلی واقع شده و ماشین نیز واجد نقصی از نقائص است حکم بر محکومیت
 صادر می نماید بدون اینکه احراز کند آیا بین تفصیر و قتل رابطه سببیت هست یا نه و عبارت
 دیگر قتل در اثر همان تفصیر و همان نقص واقع شده است یا خیر نمونه دیگری بخاطر
 رسید که یک مثال کلاسیک در این بحث بشمار میرود ماشینی که در شب راه میرفته فاقد چراغ
 قرمز عقب بوده است دو چرخه ای از جلو میآمده و با ماشین مزبور از قسمت جلو تصادف
 و منجر بفوت دو چرخه سوار میگردد اینجا عنصر مادی یعنی (قتل و سلب حیات) موجود است
 از نظر راننده ماشین نیز این نقص و این تفصیر موجود است که فاقد چراغ قرمز عقب بوده
 است ولی رابطه سببیت موجود نیست یعنی راننده ماشین را باین علت نمی توان مرتکب قتل
 غیر عمدی شناخت هکذا در ارزیابی بی احتیاطی ها عدالت و انصاف مراعات نمیگردد و راننده
 و عا بر از این حیث متساوی الحقوق شناخته میشوند که این قسمت موضوع بحث دیگری است.

۲- ایرادی به قانون نمیدانیم که در قتل غیر عمدی ناشیه از رانندگی اگر
 مورد با ماده ۲ قانون تشدید مجازات رانندگان منطبق باشد مسئله جنبه جنائی پیدا کرده
 و جرم ارتكابی جنائی محسوب است و بر طبق بند ب از ماده ۱۹ قانون مجازات راننده ای
 که بر طبق ماده ۲ یاد شده محکومیت پیدا کرد از کلیه حقوق اجتماعی تبعاً محروم خواهد
 شد و حقوق اجتماعی را هم ماده ۱۵ قانون مجازات تعریف کرده است و این از عدالت دور
 است کسی که عامد و قاصد در عمل نبوده علاوه از تحمل کیفر حبس بموجب ماده ۲ قانون
 که فی حد ذاته شدید است و نام قانون نیز (تشدید مجازات رانندگان) مؤید شدت مجازات است
 يك کیفر تبعی نیز که واجد محرومیت از استخدام و انتخاب در مجالس و انجمن ها و چندین
 مورد دیگر می باشد بر آن بیفزائیم نکته ای نیز قابل توجه است و آن اینکه در موقع وضع
 ماده ۱۵ قانون مجازات که کیفر تبعی برای مجازاتهای جنائی قائل شده است مجازات قتل
 غیر عمد ناشیه از رانندگی مشمول ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی بوده و کیفر تأدیبی

داشت که بالنتیجه کیفر تبعی جرم جنائی را نمی توانست داشته باشد و اینک که با وضع قانون تشدید مجازات رانندگان در تاریخ مؤخر عمل جنبه جنائی پیدا کرده است قهر امر تکب قتل غیر عمدی تبعاً محرومیت هائی خواهد داشت که تحمیل آنها بفردی که عمد و قصدی در ارتکاب عمل نداشته است عقلاً و منطقیاً صحیح نیست و واضعین ماده ۱۵ نظرشان بعمجرمینی بوده است که عالماً و عامداً مرتکب جرم جنائی میشوند نه من غیر عمد و در آن زمان جنایتی بدون قصد و عمد مفروض و مقصود قانونگذار نبوده است ولی اینک ما باین وضع خواه ناخواه روبرو هستیم و بر عهدۀ وزارت دادگستری است که با احساس یک چنین بیعدالتی در مقام تعدیل و تفسیر قانون برآید و رانندگی از ضروریات عصر ما است و ناچار بمباشرت در آن هستیم و بی احتیاطی هم چیزی است که پربشاینها و حواس پرتیها و تشویش واضطرابات و ناراحتیهای فکری که مثل باران در قرن بیستم بروی ما می بارد همیشه با ما خواهد بود و مجازاتش را که بنوبه خود اشد هم هست محکوم هستیم تحمل کنیم ولی لافل کیفر تبعی را باید حذف کرد تا کفارة یک بی احتیاطی تا آخر عمر گریبانگیر یک فرد نگردد و زندگیها مختل نشود .



کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کتابخانه جامع علوم انسانی